

## نشست مقدماتی "گفتاری پیرامون خشونت علیه زنان"

مدت زمان پیشنهادی نشست: ۶۰ دقیقه ارائه - ۲۰ دقیقه گفت‌وگو

ارائه‌دهنده: مریم فروغی

عنوان ارائه‌دهنده: دانش‌آموخته‌ی مطالعات فرهنگی و پژوهشگر حوزه‌ی زنان

در طول سال‌های اخیر، پیرامون پدیده‌هایی که در معنای عام به‌عنوان خشونت شناخته می‌شوند و می‌توان مدعی شد که شایع نیز هستند، بحث‌های زیادی شده‌است. غالباً عبارت "خشونت علیه زنان" در کشور ما، خشونت‌های خانگی علیه همسران را به ذهن متبادر می‌سازد. پدیده‌ی خشونت اما نه تنها امری دارای زمینه‌های گسترده‌ی اجتماعی و تبدیل شده به مسأله است، که لزوماً محدود به خشونت‌های خانگی نمی‌شود. به‌طور کلی آن‌چه خشونت جنسیتی، یا خشونت علیه زنان شناخته می‌شود، به کلیه‌ی رفتارهای مبتنی بر هرنوع خشونت بر مبنای جنسیت گفته می‌شود. در قوانین بین‌المللی هر عملی که منجر به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی در زنان یا دختران شود را خشونت علیه زنان می‌دانند.

پیوستار تحلیلی این نشست، توضیح نظری و تبادل نظر پیرامون چیستی خشونت، ریشه شناسی خشونت علیه زنان و گونه‌شناسی انواع خشونت علیه زنان خواهد بود. در این رابطه و با توجه به سوبه‌های نظری فمینیستی در گرایشات تئوریک ارائه‌دهنده؛ سعی بر آن است تا پیش از مباحث به سیری تاریخی راجع به جنبش‌های زنان نیز اجمالاً پرداخته شود. این توضیح از آن نظر مفید واقع می‌شود که زنان گرچه به‌لحاظ تجربه‌ی نابرابری و خشونت مشترکند، لکن همه‌ی زنان به یک میزان نابرابری را احساس نکرده و مسأله تلقی نمی‌کنند. این خصیصه لزوماً مربوط به یک پهنه‌ی جغرافیایی خاص نبوده و در برهه‌ی زمانی خاصی نیز دارای مصداق نیست؛ بلکه از آغاز جنبش‌های زنان، چنین تمایزی دیده شده و منجر به انشعابات گوناگون نظری و نتایج مختلف شده است.

با چنین مقدمه‌ای خواهیم توانست پس از آرایه‌ی تعاریف مدون و متناسب با زمینه‌ی اجتماعی از خشونت؛ به گونه‌های خشونت بپردازیم. از این منظر ابتدا به تعاریف بسیط پرداخته، سپس با تمایز گذاری میان خشونت جنسی به‌عنوان سطحی از خشونت مبتنی بر جنسیت؛ به توضیح وجود آن در هر دو جنس خواهیم پرداخت و اشاره‌ای گذرا به مبحث خشونت مبتنی بر جنسیت در مردان، زنان و جنس سوم‌ها پرداخته خواهد شد.

از این خط سیر به سمت توضیح انواع خشونت علیه زنان خواهیم رفت و به تعریف خشونت در سطوح خرد، میانه و کلان خواهیم پرداخت. وجه چالش برانگیز این قسمت از ارائه، عدم شناسایی وجوهی از خشونت در کنش‌های بدیهی انگاشته شده است و هدف نیز اساساً آشنایی‌زدایی از موقعیت‌های خشونت‌آمیزی است که لزوماً از طرف جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شوند و در ساختار رسمی امکان ترویج آن‌ها نیز وجود دارد. چنین ابعادی از خشونت بیشتر در نادیده‌گرفتن زنان در جامعه از سمت هنجار، عرف و قانون کشیده می‌شود. در این جاست که این انگاره‌ی فمینیستی قابلیت توضیح خواهد داشت که تاریخ جهان، تاریخ ستم بر زنان بوده است. سپس با توضیح سوبه‌های ستم، به عنوان بحث پایانی بر دو محور اشاره خواهد شد: (۱) فرآیند بازتولید نابرابری و خشونت (۲) رویکردها و راهکارها.